

آگاهی جهانی

گفت و گو با پل سولارز، معلم پایه پنجم

مریم فرحمدت

■ چه عاملی الهامبخش شما در اجرای روش‌های جدید آموزش و یادگیری بود؟

□ اوایل استخدام ایده‌های خلاقانه زیاد داشتم و پرانرژی بودم. در کلاس با چجه‌ها، پروژه انجام می‌دادیم و مشارکتی کار می‌کردیم. هر روز حسابی کار می‌کردیم و از کارمنان لذت می‌بردیم. با گذشت سالیان، انرژی من نیز کم شد. پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد دوباره احساس جوانی و شادابی کردم. در آموزش به نیازهای فردی هر دانش آموز توجه داشتم.

چند سال گذشت و تصمیم گرفتم گواهی نامه ملی آموزش^۰ را دریافت کنم. در اینجا بود که درباره عملکرد آموزشی خود بسیار اندیشیدم و دلایل کارهایی را که تا آن زمان در کلاس انجام داده بودم، به دقت بررسی و شناسایی کردم.

کتاب «فهمیدن از راه طراحی»^۱ نوشته گرانت ویگنز^۲ و جی مکتای^۳ را خواندم. درس‌هایی را که هدف چندان محکمی نداشتند، حذف کردم و درس‌های مهم با ایده‌های بزرگ را جایگزین کردم. در نهایت، مدیر مدرسه توییتر^۴ را به من معرفی کرد و به صورت روزانه یادگیری از معلمان و مربیان الهامبخش را آغاز کردم. منابع با چنان سرعتی به اشتراک گذاشته می‌شدند که به ندرت می‌توانستم همگام با آن‌ها جلو بروم. با افاده زیادی درباره بهترین عملکرد آموزشی و ایده‌های جدید گفت و گو کردم؛ ایده‌هایی که در کلاس آن را اجرا می‌کردند. این روزها با کتاب‌های متروج تدریس و یادگیری در قرن ۲۱ خود را به روز نگه می‌دارم. همچنین خودم کتابی نوشته‌ام به نام «مثل دزدان دریایی یاد بگیر»^۵. این کتاب چگونگی توانمند کردن دانش آموزان را به معلمان یاد می‌دهد؛ به طوری که خود و کلاس‌هایشان را در محیط یادگیری مشارکتی و فعل رهبری کنند.

■ چگونه خود و دانش آموزاتمان را برای استفاده از فناوری در کلاس آماده کرده‌اید؟

□ ده سال پیش، من از بین دانش آموزان به کارگاه رایانه خودداری می‌کردم؛ زیرا نمی‌توانستم از پس احساس درماندگی دانش آموزان، زمانی که به مشکلات فنی

پل سولارز^۶، معلم کلاس پنجم دبستان وست گیت^۷ در ایالت ایلینویز^۸ آمریکاست. او که برای گسترش بهترین روش تدریس، گفت و گوهای زیادی با همکاران خود داشته، به تازگی جایزه بهترین مربی سال ایالت ایلینویز را دریافت کرده است. پل سولارز نظام آموزشی فعلی را قدیمی و ناکارآمد می‌داند. او به کشورهای زیادی مانند چین و فنلاند سفر کرده است تا نظام آموزشی آن کشورها را با نظام آموزشی آمریکا مقایسه کند. سولارز تأملات و تفکراتش را به طور منظم در وبلاگش می‌نویسد و از طریق کارگاه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، دانش و بینش خود را به اشتراک می‌گذارد. پل برای دانش آموزانش برنامه‌ای جامع با نام «آگاهی جهانی» ساخته است تا آنان را با فرهنگ‌های دیگر آشنا کند. این برنامه شامل تماس از طریق اسکایپ با سایر معلمان و نویسندهای کارگاه و دانش آموزان چنان‌اخته از دیگر کشورهای است. او ۳۴ مهارت قرن ۲۱ را نیز شناسایی کرده است؛ مهارت‌هایی که دانش آموزان باید به دست آورند و بیشرفت خود را در پرونده‌های الکترونیکی شخصی ثبت کنند.

پل در کلاس، شیوه یادگیری پروژه محور را اجرا می‌کند. این شیوه شامل تفکر انتقادی و بررسی مسائل واقعی جهان است. در کلاس او، دانش آموزان عمدتاً با هم کلاس‌هایشان کار می‌کنند و برای مخاطبانشان - که نویسندهای، دانشمندان و دانش آموزان کلاس‌های دیگر در سرتاسر جهان اند - پادکست^۹ (صوتی یا تصویری) می‌سازند. پل برای اینکه عشق به یادگیری را در دانش آموزانش زنده نگهدازد، هر هفته برای آنان فرصت کار روی علاوه‌شخصی‌شان را فراهم می‌کند تا آنچه را یادگرفته‌اند با دیگران به اشتراک بگذارند.





با زدید کردهاید. ارزیابی تان از آن مدارس چیست؟ چه نکاتی در آن مدارس توجه شما را جلب کرده است؟

□ من در ده سال گذشته امکان این را داشتم که از چند مدرسه در کشورهای مختلف بازدید کنم. با اینکه این مدرسه‌ها بسیار با هم متفاوت بودند اما هر کدام به من کمک کردند تا در عملکرد آموزشی ام تأمل کنم و روش‌های جدید آموزشی را در کلاس به اجرا در آورم. یکی از تجربه‌های ارزشمندم بازدید از مدرسه‌ای در جومهوری هسلینسکی^{۱۱} در کشور فنلاند بود. در این سفر ویژه، با دانشجویان دوره دکترای دانشگاه پنسیلوانیا^{۱۲} همراه بودم. آن‌ها در حال مقایسه نظام آموزشی آمریکا با نظام آموزشی فنلاند بودند. برنامه آموزشی آن مدرسه شامل ۴۵ دقیقه آموزش و ۱۵ دقیقه وقت برای استراحت و معاشرت با هم‌کلاس‌ها بود. دانشآموزان آن مدرسه بیشتر با فناوری (بیوژه گوشی‌ها) تکالیف‌شان را انجام می‌دادند. مسئولان به آن‌ها اعتماد کرده بودند تا در هر مکانی از مدرسه، بدون ناظر و مراقب، کارهایشان را انجام دهند. آنچه بیشتر شبیه یک اداره بازرگانی به نظر می‌رسید تا یک مدرسه! در آن سفر بسیار ایده گرفتم و ایده‌هایم را در کلاس اجرا کردم. آن سفر موفقیت بزرگی برای من بود.

■ **شما ۳۴ مهارتی را که دانشآموزان در قرن ۲۱ به آن‌ها نیاز دارند، مشخص کرده‌اید؛ مهارت‌هایی چون سازگاری با تغییرات، یادگیری مستمر، و ارتباط شفاف. آیا این مهارت‌ها با یادگیری عمیق ارتباطی دارند؟**

برمی‌خوردند، برآیم. زمانی که کارگاه رایانه را بستیم و رایانه‌ها را روی چرخ‌های محکمی در سرتاسر مدرسه قرار دادیم، من از بررسی رایانه‌ها پرهیز می‌کردم؛ زیرا می‌دانستم مجبور خواهم شد برای راهنمایی رایانه‌ها و استفاده از آن‌ها، به دانشآموزانم کمک کنم و نگران بودم که چگونه این همه کار را انجام دهم. سپس ایده‌ای در ذهنم جرقه‌زد. متوجه شدم که در کلاس، در تمام روز دانشآموزان هم‌دیگر را راهنمایی می‌کنند و اگر از آن‌ها کمک می‌خواستم، مسئولیت کمک به یکدیگر را بیشتر قبول می‌کردند. بنابراین، به دانشآموزانم اختیار دادم که وقتی سؤال دارند کلاس را قطع کنند و بپرسند یا ترددات فناوری مفید را به صورت خیلی کوتاهی به یکدیگر آموزش دهند. با این‌کار، پس از مدت کوتاهی هر روز در کلاس از رایانه استفاده می‌کردیم و نتیجه این‌کار، تحول آموزشی بود.

■ درباره نقشتان در کلاس چه احساسی دارید؟

□ پنج سال اخیر که معلم کلاس دانشآموز محور در محیط یادگیری تلفیقی هستم، بهترین سال‌های کار حرفه‌ای ام است. با این شیوه احساس زندگی واقعی می‌کنم. دانشآموزانم مواجهه با جالش‌ها را به شیوه‌های مشارکتی و با حل مسئله یاد می‌گیرند و فوراً پس از یک تجربه یادگیری با استفاده از ابزارهای مبتنی بر وب و نمونه کارهای الکترونیکی بر یادگیری‌شان تأمل می‌کنند. من دیگر معلمی نیستم که محتوا را کلمه به کلمه به دانشآموزان تدریس می‌کنم بلکه معلمی شده‌ام که دانشآموزان را یاری می‌دهد تا کشف کنند. من به جای تدریس منفعل، دانشآموزان را در معرض تجربه‌های یادگیری فعال قرار می‌دهم و چون دانشآموزانم به طور فعال در حال یادگیری هستند، مهارت‌هایشان را در تجرب جدید، بهتر به کار می‌گیرند.

■ شما از مدرسه‌های زیادی در کشورهای جهان



علاوه بر این، آنها مهارت‌های فردی را در بقیه روز، با رضایت کامل کارهای دیگر شان را انجام می‌دهند. متوجه شده‌ام که آنها وقتی روی موضوعات مورد علاقه خود کار می‌کنند، بی‌نهایت انگیزه دارند. تحقیق می‌کنند، یادداشت بر می‌دارند، اطلاعات را با هم مقایسه می‌کنند و نتیجه پژوهش‌هایشان را در قالب فیلم ارائه می‌دهند؛ به نحوی که دیگران در سایر نقاط جهان از تجربه‌هایشان یاد بگیرند. ما این فیلم‌ها را روی وبلاگ کلاس بارگذاری می‌کنیم و من درباره آنها در توبیتر مطالبی را به اشتراک می‌گذارم. از سایر دانش‌آموزان و معلمان درخواست می‌کنیم تا بازخورد انتقادی و مثبت به ما بدهند و ما هم همین کار را برایشان انجام می‌دهیم. دانش‌آموزان بازخوردهای را می‌خوانند و درباره آنها تأمل می‌کنند و در پژوهش‌های بعدی که براساس علاقه‌شان انتخاب می‌کنند، تغییراتی می‌دهند. خوانندگان حرفه‌ای با طرح نظرات خود به دانش‌آموزان انگیزه می‌دهند. بنابراین، دانش‌آموزان من احساس می‌کنند که تجربه‌شان انفرادی نیست و افراد زیادی در پژوهش‌ها شرکت می‌دانند.

■ بهترین تجربه شما از آموزش تلفیقی چیست؟

□ یکی از بزرگ‌ترین مزیت‌های ساختن محیط آموزش تلفیقی، وقتی است که به من داده شده تا در عمل، نظاره‌گر دانش‌آموزان باشم، به آنها بازخورد فوری بدهم و موجب بهبود کارشان شوم؛ به جای اینکه تمام مدت آموزش مستقیم بدhem و یا کار کردن دانش‌آموزان به صورت فردی و در سکوت را مشاهده کنم، در کلاس راه می‌روم و نظاره‌گر همکاری دانش‌آموزان با یکدیگر، برای یادگیری محتوا و یا مهارت جدید هستم. علاوه بر این، آنها مهارت‌های فردی را کسب می‌کنند و دوستی‌های عمیقی می‌انشان شکل می‌گیرند. دانش‌آموزان به هم احترام می‌گذارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند. زمانی هم که کسی عقب می‌افتد یا از موضوعی ناراحت است، دیگران را می‌پرسند و بازخورد انتقادی را می‌پذیرند؛ آموزش تلفیقی است. من معلمان را صمیمانه تشویق می‌کنم تا شیوه‌های تدریس قرن ۲۱ و آموزش تلفیقی را به کار گیرند.

* بی‌نوشت‌ها

1. Paul Solarz
2. Westgate Elementary School
3. Illinois
4. Podcast
5. نشان‌دهنده شخصی در آموزش
6. Understanding by Design
7. Grant Wiggins
8. Jay Mc Tighe
9. Twitter
10. Learn Like a Pirate
11. Helsinki
12. Pennsylvania



□ بله، من باور دارم که بدون این مهارت‌ها دانش‌آموزان نمی‌توانند از آموخته‌های خود استفاده کنند. باور دارم که بدون مهارت‌های قرن ۲۱، معلمان فقط بر حفظ کردن دانش اصرار می‌ورزند و ذهن دانش‌آموزان را با اطلاعات پر می‌کنند. احساس می‌کنم به عنوان معلم وظیفه اصلی من، کمک

به دانش‌آموزان برای زندگی در آینده نزدیک است. آنها چگونگی تعامل با هم‌کلاسی‌ها و بزرگ‌سالان را نیز باید به کمک من بیاموزند. همچنین، مسائل را با استفاده از مبانع در دسترس حل کنند، درباره اطلاعات جدید تفکر انتقادی داشته باشند، خلاق باشند و ایده‌های جدید ارائه دهند. نمی‌خواهیم دانش‌آموزان را به افرادی تبدیل کنم که برای بی‌عیب و نقص ماندن، تحت فشار شدید باشند و به خاطر کامل کردن کارهایشان نیازهای افراد دیگر را نادیده بگیرند. دانش‌آموزان کلاس من نهایت تلاش‌شان را می‌کنند و بازخورد انتقادی را می‌پذیرند؛ چون می‌دانند این انتقادها کیفیت کارشان را بهبود می‌بخشد. آنها به هم‌کلاس‌هایشان اهمیت می‌دهند و به آنها برای رسیدن به موفقیت‌های فردی کمک می‌کنند. دانش‌آموزان من در حالی وارد دوره متوسطه می‌شوند که می‌دانند همه آدمها در زمینه‌های متفاوتی مستعدند.

نمی‌خواهم
دانش‌آموزان را به
افرادی تبدیل کنم
که برای بی‌عیب و
نقص ماندن، تحت
فشار شدید باشند
و به خاطر کامل
کردن کارهایشان
نیازهای افراد
دیگر را نادیده
بگیرند

■ روش کار شما در کلاس به گونه‌ای است که دانش‌آموزان می‌توانند علاقه‌شان را دنبال کنند. نتیجه نهایی و در خور توجه این شیوه چه بوده است؟ □ از کارهای مهم من، آزاد گذاشتن بچه‌ها به مدت یک ساعت و دوبار در هفته است. نام این ساعت را «ساعت رسیدگی به علاقه» گذاشته‌ام. دانش‌آموزان احساس می‌کنند که به